

اطلاعیه مشترک : ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلابی که به ثمر نرسید / سه ائتلاف سیاسی



در تمام مدت حکومتداری پهلوی دوم جریانات متفاوت فکری و
دگراندیشان علی‌الخصوص جریانات وابسته به افکار مارکسیستی تحت
سرکوب رژیم بودند و ساواک در سرکوب فعالین وابسته به ملیت‌ها،
چپ‌ها، دانشجویان هیچ‌حدومرزی نداشت و بمانند سازمان‌های
سرکوبگر کنونی جمهوری اسلامی در سانسور، دستگیری، زندان، شکنجه
و اعدام دگراندیشان جامعه ایران نقش داشت.

سه ائتلاف سیاسی



۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلابی که به ثمر نرسید !

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ حاصل مبارزات نسل‌های متمادی ایران برای تحقق حکومت قانون، حق شهروندی و حقوق بشر بود، این انقلاب یک ضرورت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بود، حکومت پهلوی در بازه‌های زمانی متفاوت اقشار مختلف ایران را سرکوب کرده بود و از ظهور هر نوع آزادی در جامعه وحشت داشت، برای لزوم انقلاب کافی است به سرنوشت امیرعباس هویدا، در دوره پهلوی نگریسته شود، هویدا که حدود ۱۳ سال نخست وزیر محمدرضا پهلوی بود، در پایان حکومت پهلوی، توسط این رژیم دستگیر می‌شود تا اتهام وضعیت فاجعه بار ایران آن زمان از مسئولیت محمدرضا پهلوی برداشته شود.

در تمام مدت حکومتداری پهلوی دوم جریان‌های متفاوت فکری و دگراندیشان علی‌الخصوص جریان‌های وابسته به افکار مارکسیستی تحت سرکوب رژیم بودند و ساواک در سرکوب فعالین وابسته به ملیت‌ها، چپ‌ها، دانشجویان هیچ حدودمرزی نداشت و بمانند سازمان‌های سرکوبگر کنونی جمهوری اسلامی در سانسور، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام دگراندیشان جامعه ایران نقش داشت.

سرکوب چند لایه افکار متفاوت در ایران در حالی بود که دربار همیشه زمینه فعالیت گروه‌های اسلامی را برای ضدیت با جریان‌های غیراسلامی فراهم می‌کرد و فراهم شدن این شرایط و تصورات خوشبینانه مردم ایران به نهاد دین مسبب آن شد، جریان ولایت فقیه در آخرین ماه‌های سقوط رژیم قدرت را در دست بگیرد و زمینه به انحراف کشیدن انقلاب بهمن ۵۷ را فراهم کند.

جمهوری اسلامی نتیجه مبارزات مردم نبود، پیوندی با مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران هم نداشت، توهمی بود که مردم از آخوند و دولت دینی داشتند.

رفته رفته که جمهوری اسلامی بر جامعه مسلط شد، هجوم خود را به اهداف سیاسی مبارزه و آزادی‌های مدنی آغاز کرد. زنان اولین قربانیان این نظام بودند که با تصویب حجاب اجباری آنان را مجبور به رعایت آن کردند.

در واقع حجاب اجباری تحمیل زور و استبداد دولتی و آغاز تحقیر و ستم بر زنان و جامعه ایران بود.

بستن فضای سیاسی جامعه و حمله به آزادی‌های سیاسی، روزنامه‌ها، احزاب غیر دولتی، انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی رفته رفته فضای سیاسی در ایران را به گذشته برگرداند.

آغاز اعدام‌های گسترده و سرکوب دگراندیشان، شکنجه‌های وسیع در زندان‌ها و ترورهای دولتی چهره‌ای از جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت که هرچه بیشتر خفقان را مسلط کرد.

هرچند این اعتراضات به دلیل اینکه در چارچوبه‌های نظام انجام می‌شود باید گفت اهداف غیر منطقی و غیر واقعی را دنبال می‌کردند و نتیجه‌ای جز شکست هم نداشتند. تصور اینکه مردم ایران در چارچوبه نظام جمهوری اسلامی به دموکراسی و

آزادی‌های سیاسی یابند توهمی بیش نبود.

آنچه در سال ۹۶ و ۹۸ در ایران اتفاق افتاد عبور از توهم‌های اصلاح طلبی و مرزبندی جدی با جمهوری اسلامی بود. تلاش جوانان برای عبور از سنتهای قرون وسطایی، حکومت دینی، علیه استبداد و برای استقرار دموکراسی و آزادی بود، تلاشی که به شدت و خونین سرکوب شد.

پی آمد سرکوبها سکوت نبود، ادامه مبارزه و تلاش برای یک انقلاب مردمی بود. سال ۱۴۰۱ آغاز انقلاب مهسا بود، که دنیا را تکان داد. تحولی که پرچم زن، زندگی آزادی را بر آسمان ایران چرخاند و طنین انداز انقلابی زنانه شد.

ما سه تشکیلات سیاسی هم پیمان جنبش مردمی ژینا هستیم و در تلاشی پیگیر برای سرنگونی جمهوری اسلامی، و تحقق یک جمهوری دمکراتیک، لائیک و فدرال هستیم، ما برایین باوریم که خون ده ها هزار انسان جان باخته و جان فدا به هدف خود یعنی سرنگونی این نظام فاسد و جانی خواهد رسید. تلاش ما اتحاد گسترده اپوزیسیون مترقی در راه سرنگونی این نظام ضد بشری است.

کنگره ملیتهای ایران فدرال

شورای دموکراسی خواهان ایران

همبستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران

پنجشنبه ۲۰ بهمن / ۹ فوریه ۱۴۰۱